

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



امام خمینی
روح البدر

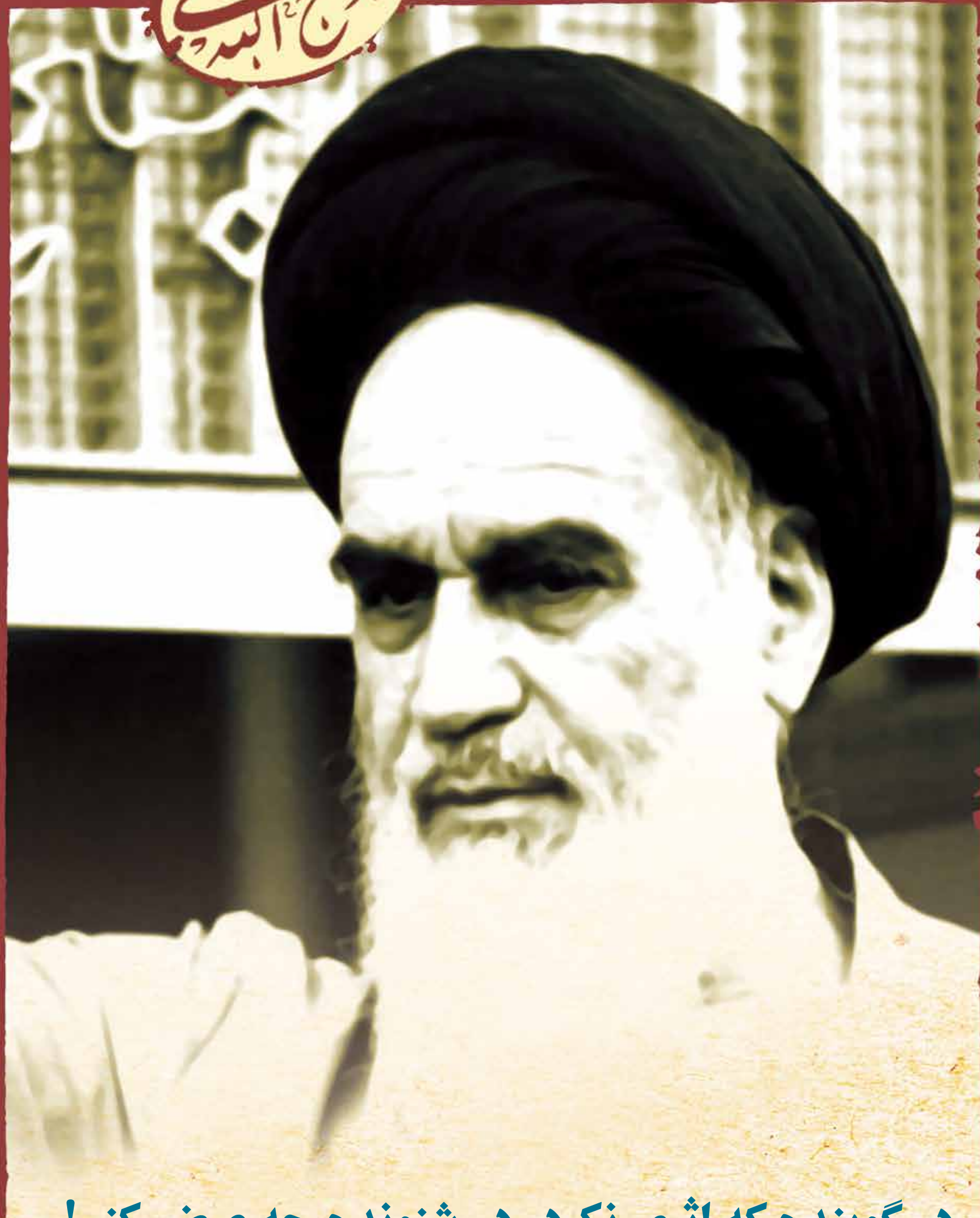


سازمان دانشجویان ایران



سیک زندگی
امام خمینی
علیه السلام

ارواح البدر

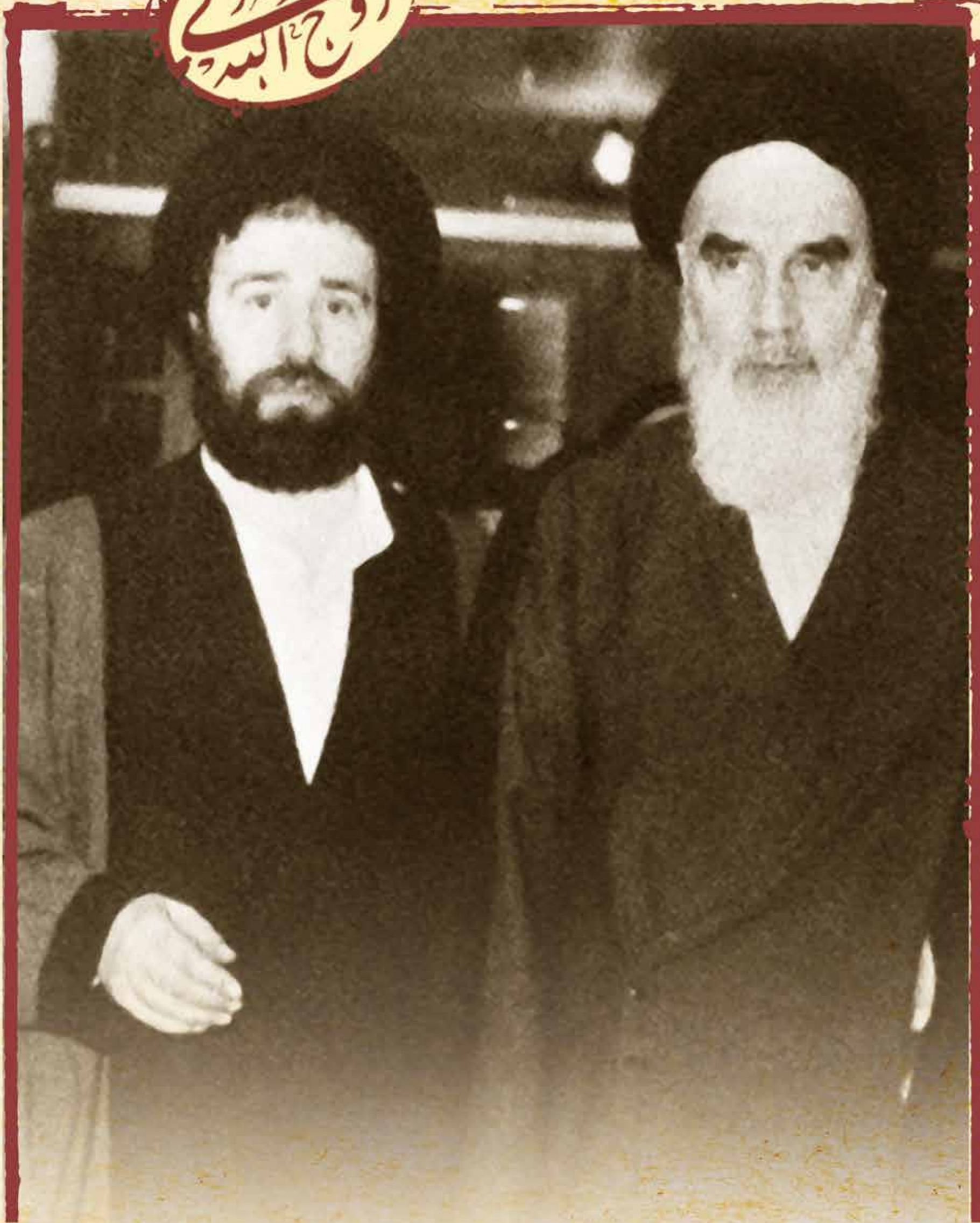


در گوینده که اثری نکرد، در شنونده چه عرض کنم!

جمعه آخر (درس اخلاق) هم آمدند و فرمودند: «در گوینده که اثری نکرد در شنونده چه عرض کنم! والسلام علیکم». دیگر نیامدند و بزرگانی مثل مرحوم آیت الله العظمی بروجردی گفتند، بروید. فرمودند: «معدورم».

حجت الاسلام و المسلمین سید صادق شمس الدین واعظ
منبع: کتاب «سلسله موی دوست»، صفحه ۱۳۶

راویج البدری



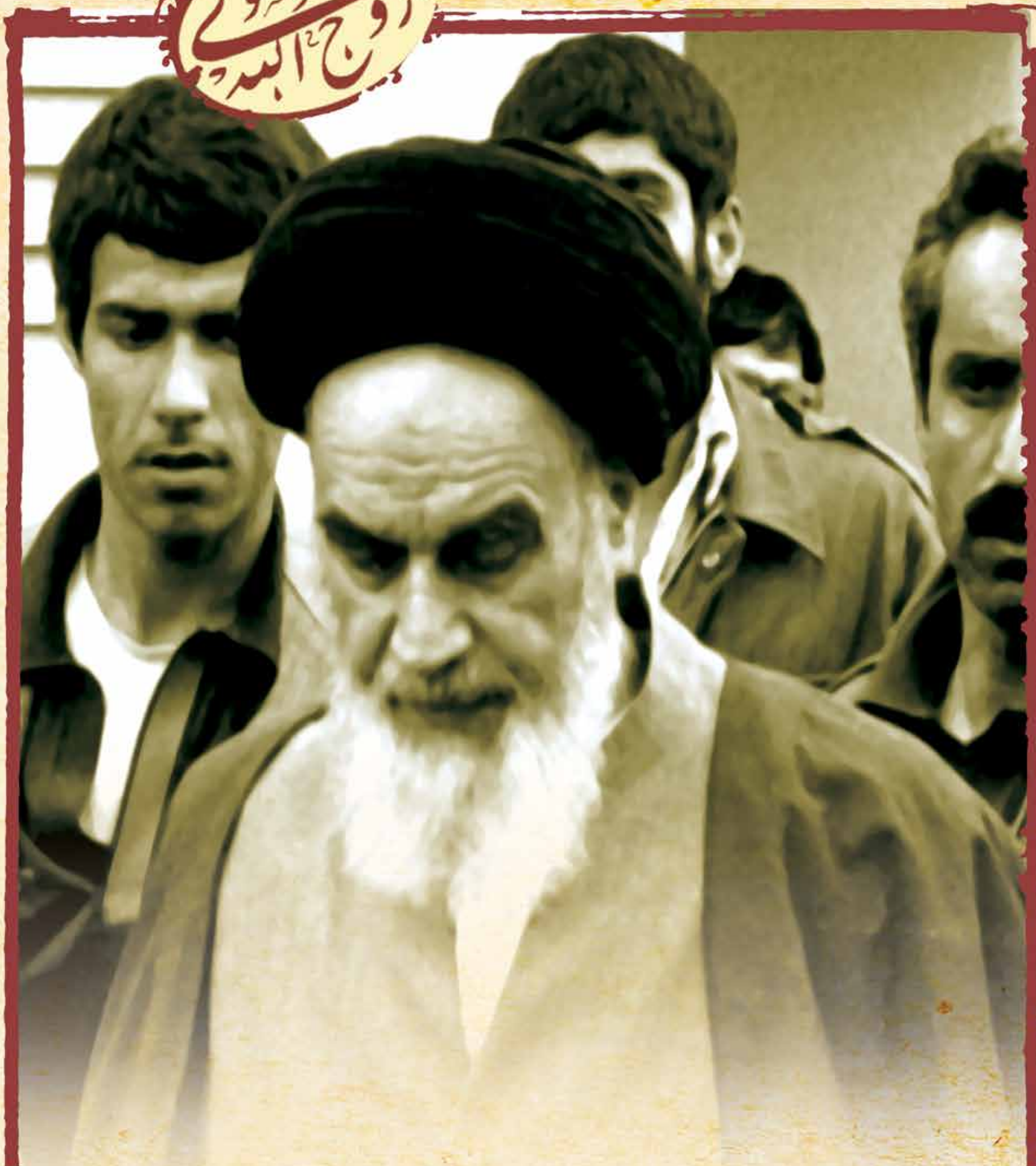
وصیت پدری که عمری به بطالت ...!

وصیتی است از پدری که عمری به بطالت گذرانده و توشه‌ای برای زندگی ابدی برنداشته و قدمی خالص برای خداوند متان نگذاشته و از هواهای نفسانی و وساوس شیطانی نجات نیافته، لکن از فضل و کرم خداوند کریم مأیوس نیست و به عفو و عطوفت او دل بسته و همین تنها زاد راه او است، به فرزندی که از نعمت جوانی برخوردار است و فرصت برای تهذیب نفس و خدمت به خلق خدا در دست دارد.

منبع: کتاب «وعدۀ دیدار»

صفحه ۱۰۱

روز المومنین
بیت البدر



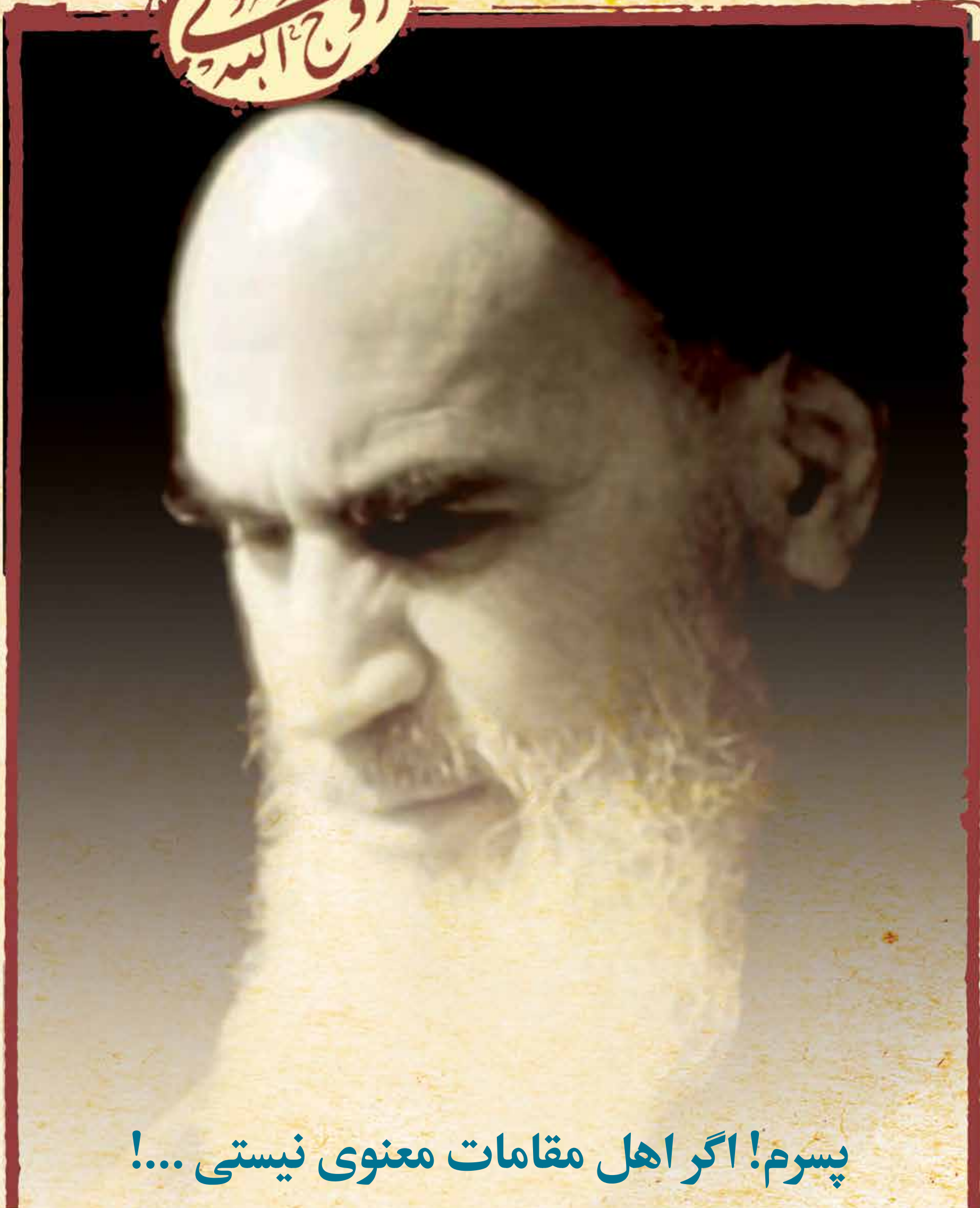
ناراحتی در اثر غیبت کردن یکی از شاگردان

درس ایشان فقط تعلیم و تعلم نبود، بلکه مقید بودند که در ضمن تعلیم، تهذیب هم باشد. به عبارت دیگر، درس ایشان کار رسول گرامی اسلام (ص) «ویزکیهم ویعلمهم الكتاب والحکمه» بود. در مدت بیش از دوازده سال که در درس عالی ایشان شرکت داشتم، یک عمل مکروه از ایشان ندیدم. بلکه اگر شبه غیبت و دروغی پیش می آمد، حالت نگرانی به خوبی در چهره ایشان نمایان می شد. یادم نمی رود روزی امام به جلسه درس تشریف آوردند و به قدری ناراحت بودند که نفس های تندی می زدند. آن روز درس ندادند و به جای درس، نصیحت تندی کردند و رفتند و تب مالت ایشان عود کرد و سه روز نیامدند؛ چون شنیده بودند که یکی از شاگردان ایشان، درباره یکی از مراجع، غیبتی کرده بود.

آیت الله حسین مظاهری

منبع: کتاب «سلسله موی دوست»، صفحه ۲۱۱

رواج البدر

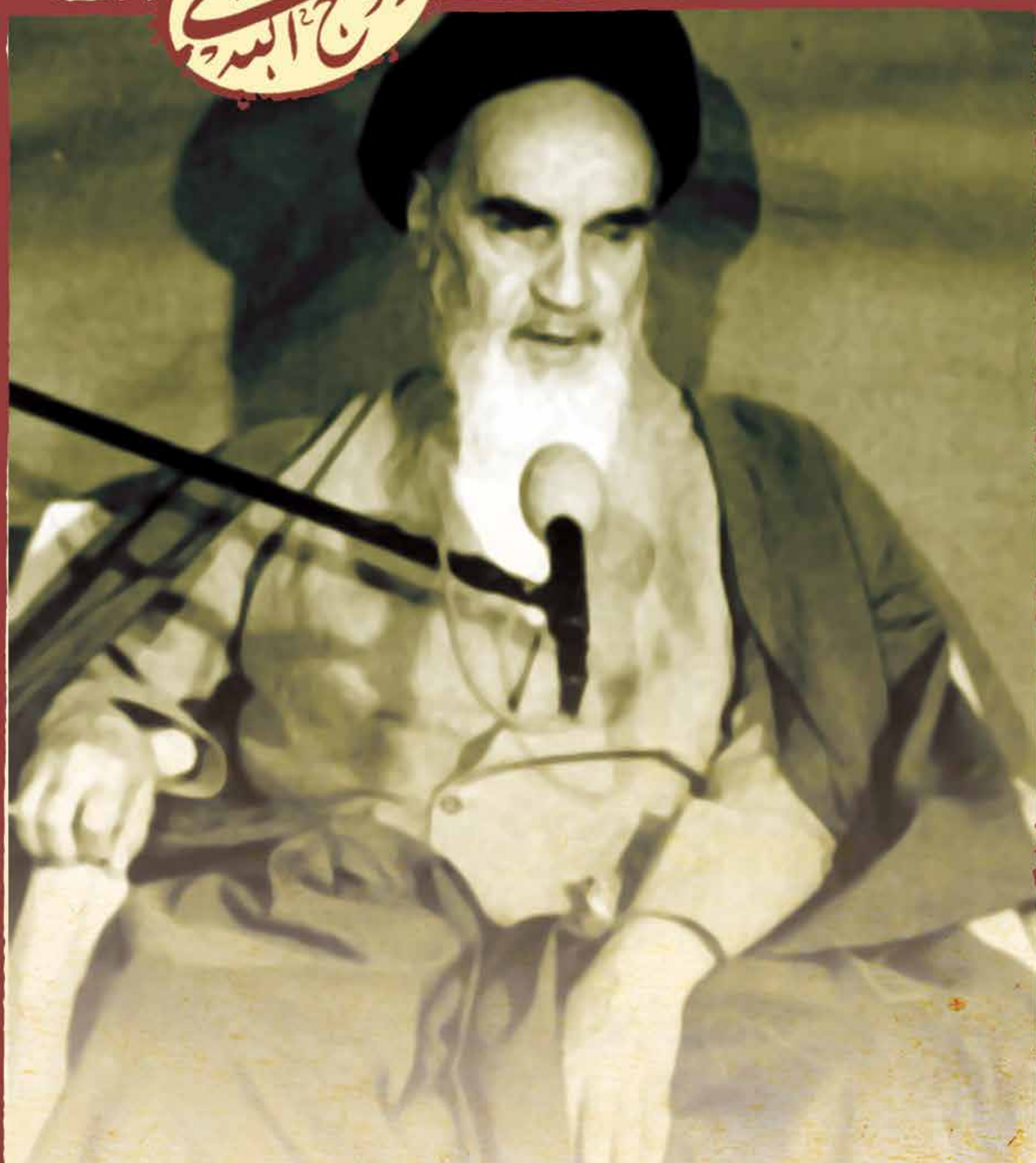


پسرم! اگر اهل مقامات معنوی نیستی ...!

پسرم! سعی کن اگر از اهل مقامات معنوی نیستی انکار مقامات روحانی و عرفانی را نکنی که از بزرگ‌ترین حيله‌های شیطان و نفس اماره که انسان را از تمام مدارج انسانی و مقامات روحانی باز می‌دارد، واداری اوست به انکار و احياناً به استهزای سلوک الی الله که منجر به خصومت و ضدیت با آن شود و آنچه تمام انبیای عظام - صلوات الله علیهم - و اولیای کرام - سلام الله علیهم - و کتب آسمانی خصوصاً قرآن کریم کتاب جاوید انسان‌ساز، برای آن به وجود آمده‌اند در نطفه خفه شود. پس عزیزم! آنچه اشاره کردم با آن که خود، هیچم و از هیچ هیچ‌تر، برای آن است که اگر به جایی نرسیدی انکار مقامات معنوی و معارف الهی را نکنی و از کسانی باشی که دوستدار صالحین و عارفین باشی هرچند از آنان نیستی و با دشمنی دوستان خدای متعال از این جهان رخت نبندی.

منبع: کتاب «وعدۀ دیدار»
صفحه ۱۰۳

روزنامه
روز و شب



نصیحت امام در اولین روز نشستن بر روی منبر

آن بزرگوار در قم، اولین روزی که برای درس روی منبر نشستند، من در درسشان حاضر بودم. ایشان قبلاً روی زمین می نشستند و درس می گفتند و بعد از چندی که جمعیت زیاد شد و طلاب می خواستند چهره ایشان را زیارت کنند و صدایشان را درست بشنوند، اصرار کردند که روی منبر بنشینند. گمان می کنم ایشان بعد از رحلت مرحوم آیت الله بروجردی - رضوان الله علیه - این را قبول کردند. تا آن بزرگوار حیات داشتند، ایشان منبر نشستند. این بزرگوار، آن روز را تماماً به نصیحت گذراندند. اولین مطلبی که بعد از «بسم الله» فرمودند، این بود که: «مرحوم آقای نائینی - رحمه الله - روز اولی که برای درس روی منبر نشست، گریه کرد و گفت، این همان منبری است که شیخ انصاری (ره) روی آن نشسته، حالا من باید روی آن بنشینم». ایشان از همین جا، شروع به نصیحت کردن طلاب کردند که بفهمید چه کاری می کنید و چه قدر این مسئولیت سنگین است. البته جزئیات فرمایشهای آن روز، الآن در ذهنم نیست. ایشان در آن روز که این صحبت ها را می کردند، در حد یک مدرس بزرگ و یک فقیه عالی مقام مهیای مرجعیت بودند.

حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)
منبع: «سلسله موی دوست»، صفحه ۸۴

رواج البدع
الموسرین

فرزندم! فکر نکن قرائت بدون معرفت قرآن...!

فرزندم! با قرآن این بزرگ کتاب معرفت آشنا شو اگرچه با قرائت آن؛ و راهی از آن به سوی محبوب باز کن و تصوّر نکن که قرائت بدون معرفت اثری ندارد که این وسوسه شیطان است. آخر، این کتاب از طرف محبوب است برای تو و برای همه کس، و نامه محبوب محبوب است اگرچه عاشق و محب مفاد آن رانداند و با این انگیزه حب محبوب که کمال مطلوب است به سراغت آید و شاید دستت گیرد. ما اگر در تمام لحظات عمر به شکرانه این که قرآن کتاب ما است به سجده رویم از عهده برنیامده ایم.

منبع: کتاب «وعده دیدار»
صفحه ۱۰۴

از روح البدر



مرده بازی‌ها را دور بیندازید

وقتی ما در نجف به خاطر شهادت حاج آقامصطفی مجلس ختم گذاشتیم، تمام آقایان در نجف این کار را کردند. چند روزی که گذشت افرادی می‌آمدند و برای گرفتن فاتحه اجازه می‌گرفتند. آقای دعایی مسئول این کار بود که از امام اجازه می‌گرفت و تعیین وقت می‌کرد. امام به او فرمودند: «مرده بازی را دور بیندازید و به دنبال درس و بحثان باشید و در این کار اصرار نکنید.»

آیت‌الله محمد ناصری

منبع: کتاب «سلسله موی دوست»، صفحه ۲۴۴

المؤمنون
ارواح البهائم



پسرم! به تو که از نعمت جوانی برخورداری...

پسرم! از وصیت های من که در آستان مرگ، و نفس های آخر را می کشم به تو که از نعمت جوانی برخورداری، آن است که معاشران خود و دوستان خویش را از اشخاص وارسته و متعهد و متوجه به معنویات و آنان که به حب دنیا و زخارف آن گرایش ندارند و از مال و منال به اندازه کفایت و حد متعارف پا بیرون نمی گذارند و مجالس و محافلشان آلوده به گناه نیست و از اخلاق کریمه برخوردارند، انتخاب کن که تأثیر معاشرت در دو طرف صلاح و فساد اجتناب ناپذیر است، و سعی کن از مجالسی که انسان را از یاد خدا غافل می کند پرهیز نمایی که با خوگرفتن به این مجالس ممکن است از انسان سلب توفیق شود، که خود مصیبتی است جبران ناپذیر.

منبع: کتاب «وعدۀ دیدار»
صفحه ۱۰۵

از آئین و سنن
ارواح الهیه



مجلس درس را مجلس معصیت نکنید

یکی از طلبه‌های اهل کن بعضی وقتها اشکال می‌کرد و طوری صحبت می‌کرد که بعضی طلبه‌ها می‌خندیدند. دفعه دوم که ایشان اشکال کرد شاگردان خندیدند. امام فرمودند: «برای چی می‌خندید. مجلس را مجلس معصیت نکنید. با خنده‌هایتان ایشان ناراحت می‌شود. اگر تکرار شود من دیگر مباحثه نمی‌کنم». بارها امام می‌فرمودند: «چنانچه به برادر مسلمانان یا رفقایان توهین کنید ولایتان با خدا قطع می‌شود».

حجت الاسلام و المسلمین سید محمد باقر حسینی منش
منبع: «سلسله موی دوست»، صفحه ۲۲۰

راویج البدری



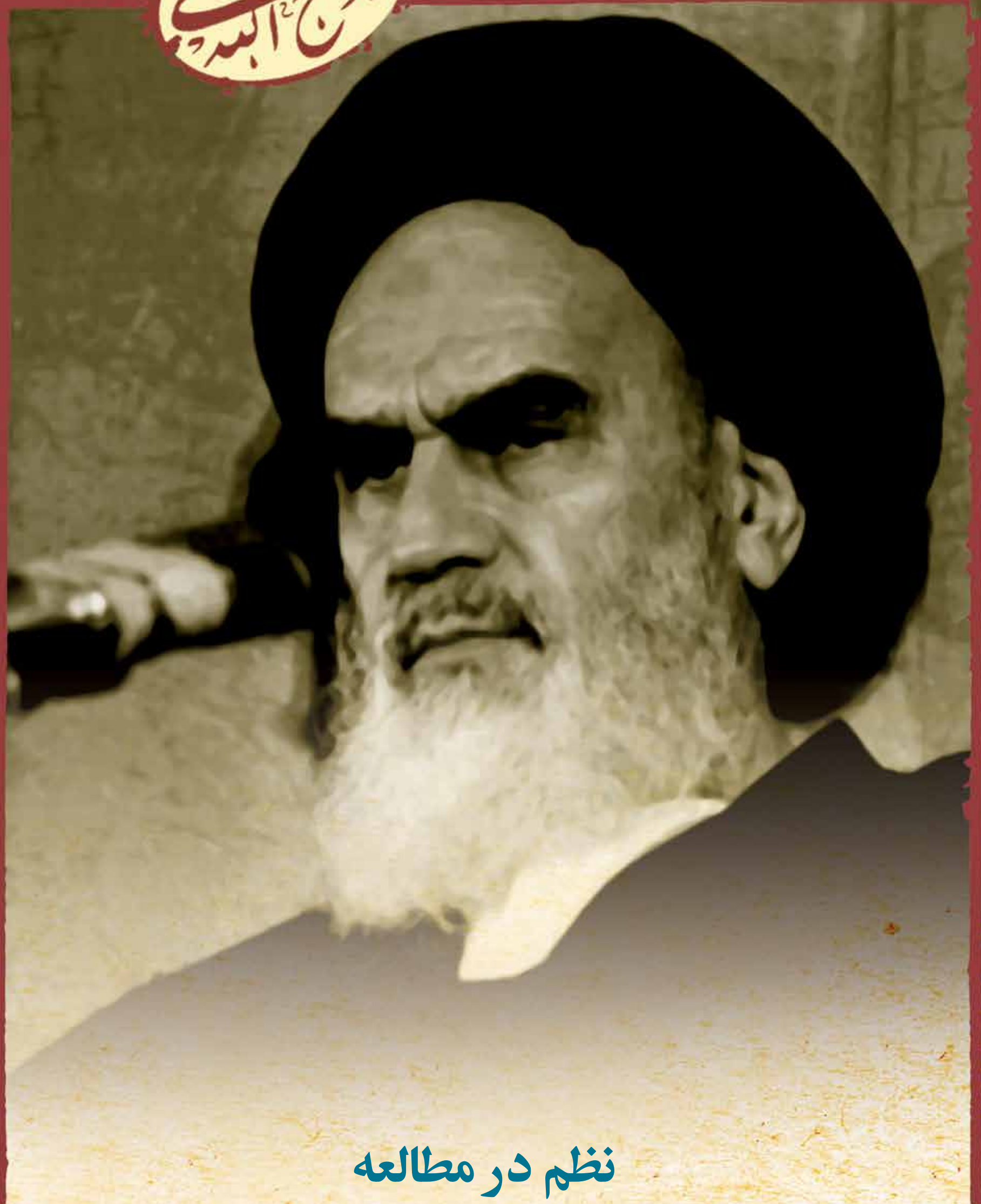
پسر عزیزم! حتی قدرت طلبان در پی قدرت مطلق اند...!

فرزندم! قدرتمندان و ابرقدرتان به هر قدرتی برسند دنبال قدرت فوق آن می گردند، و علم طلبان به هر مرتبه از علم برسند مافوق آن را می خواهند و گم شده خود را که خود غافل از آنند در آن نمی یابند. اگر به قدرت طلبان، قدرت تسلط و تصرف در همه عالم مادی، از زمین ها و منظومه های شمسی و کهکشان ها و هر آنچه فوق آنها است، بدهند و بگویند: «قدرت دیگری فوق اینها و عالمی یا عوالمی دیگر فراتر از اینها است، آیا می خواهی به آنها برسی؟» محال است تمنای آن را نداشته باشند؛ آنچه همه را مطمئن می کند و آتش فروزان نفس سرکش و زیادت طلب را خاموش می نماید وصول به او است، و ذکر حقیقی او- جل و علا- چون جلوه او است استغراق در آن آرامش بخش است. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ».

منبع: کتاب «وعدۀ دیدار»

صفحه ۱۰۶

رواج البدر



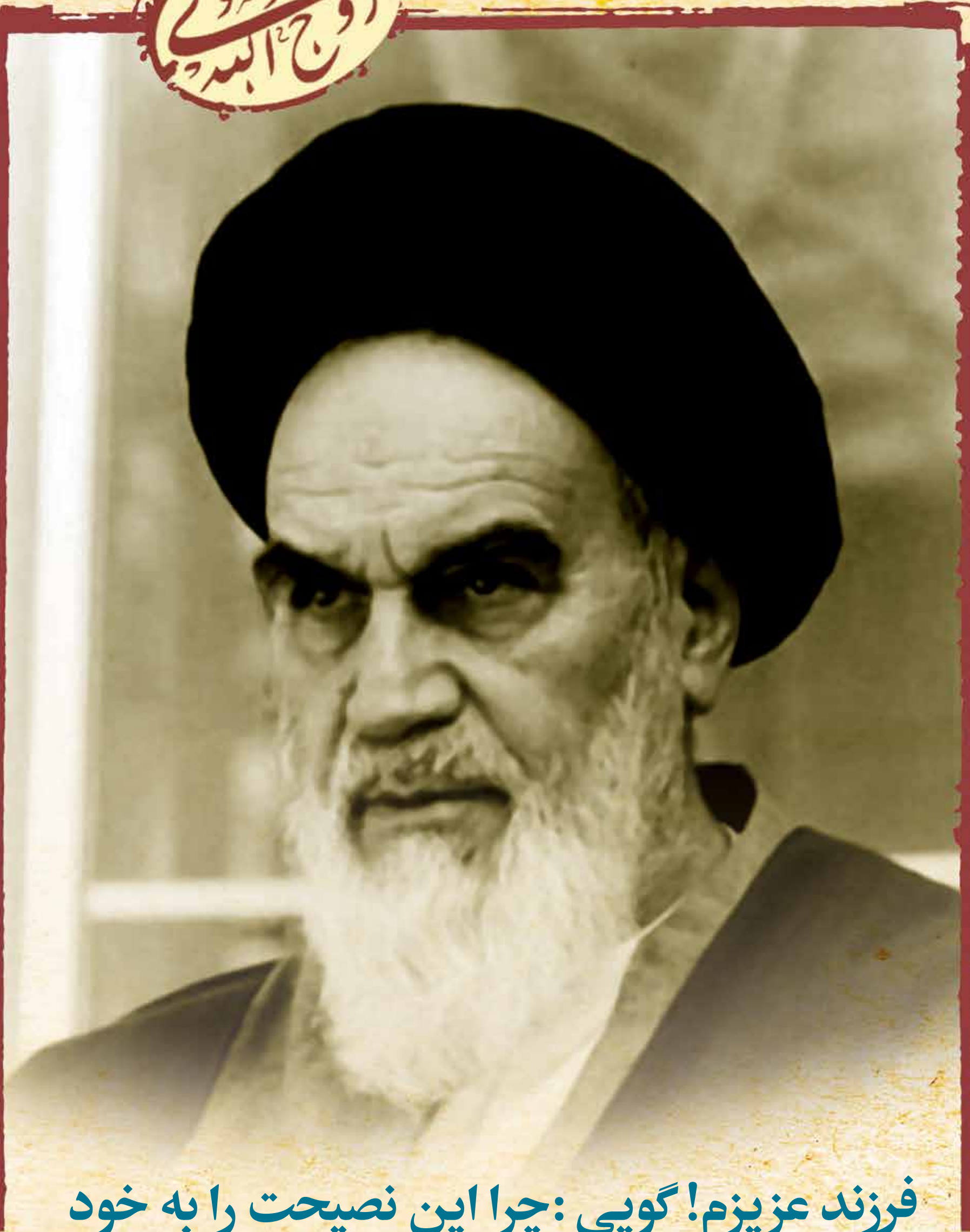
نظم در مطالعه

در مطالعاتشان آنقدر منظم بودند که هیچ چیز باعث تعطیل شدن مطالعه‌شان نمی‌شد. آن روزی که خبر شهادت حاج آقا مصطفی را به ایشان دادیم و اجازه گرفتیم که برای مراسم تدفین به کربلا برویم؛ خیال کردیم که امام ناراحت می‌شوند. حتی برای ایشان دکتر آوردند، که وقتی امام این موضوع را فهمیدند، گفتند: «حالا برای من دکتر می‌آورند!» آن روز ما فکر کردیم امام به نماز جماعت نمی‌روند، ولی دیدیم که ایشان سر وقت به نماز جماعت رفتند. مطالعاتشان را هم ترک نکرده بودند و قرآنی را که هر روز می‌خواندند، طبق روال روزهای قبل، خواندند. احمد آقا می‌گفت: «عصر آن روز دیدم که هفتاد صفحه از کتابی که جزو دوره مطالعاتی ایشان بود، خوانده شده است.»

آیت الله محمد ناصری

منبع: کتاب «سلسله موی دوست»، صفحه ۲۴۳

رواج البدری



فرزند عزیزم! گویی: چرا این نصیحت را به خود نمی‌کنی!

پس ای فرزند عزیزم! که خداوند تو را با ذکر خود مطمئن القلب فرماید، نصیحت و وصیت پدر سرگشته و حیرت زده‌ات را بشنو و به این دروآن دربرای رسیدن به مقام و شهرت و آنچه مورد شهوات نفسانیه است مزن، که به هرچه برسی از نرسیدن به مافوق او متأثر می‌شوی و حسرت بالاتر می‌بری و ناراحتی‌های روحیت افزون می‌شود؛ اگر گویی: تو خود چرا به خود این نصیحت را نکنی؟ گویم: «أَنْظُرُ إِلَى مَا قَال، لَا إِلَى مَنْ قَال».

منبع: کتاب «وعدة دیدار»
صفحه ۱۰۶

رواج البدر

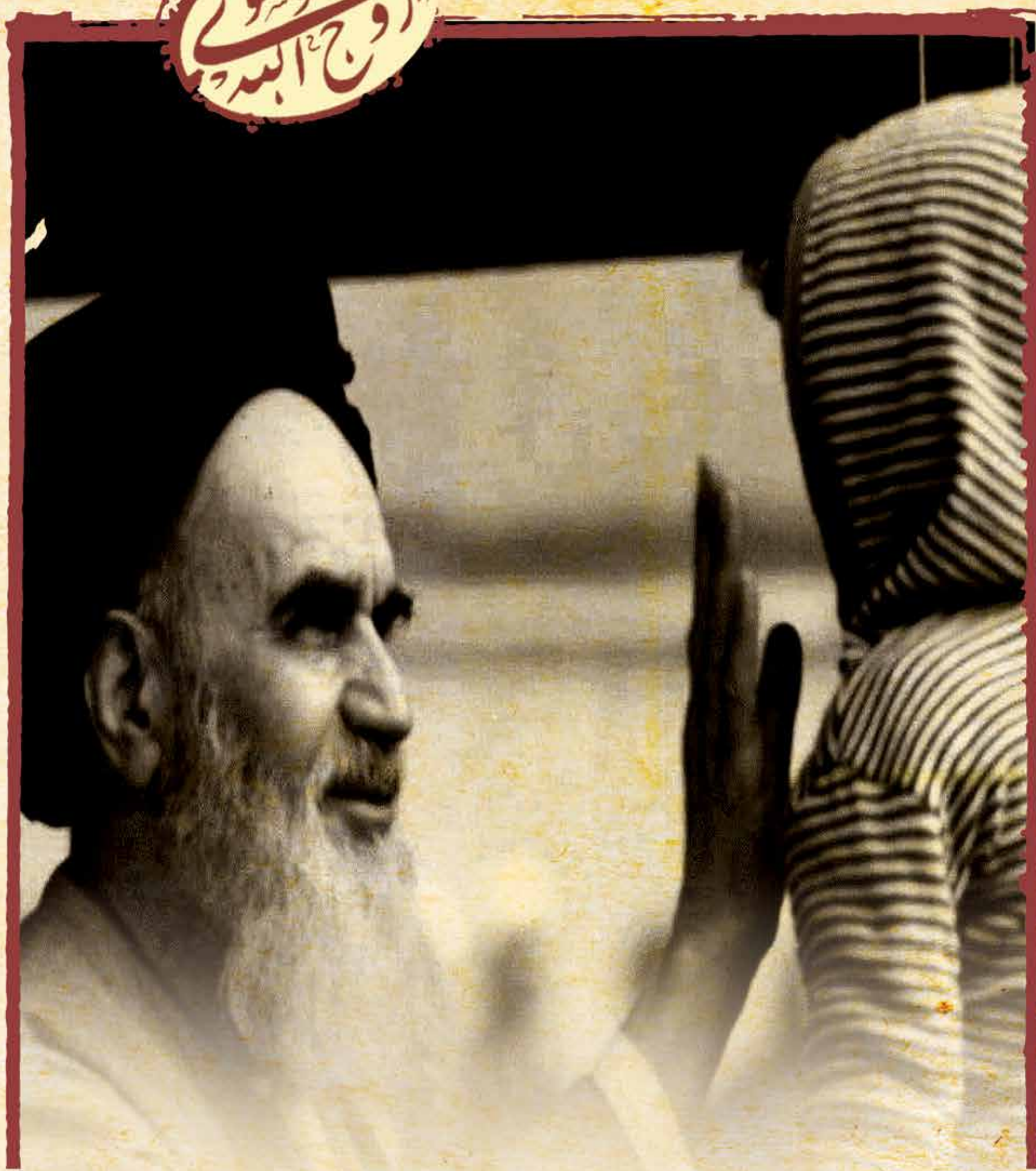


صلوات برای من نفرستید

در جلسه درس اخلاق حضرت امام در محلات در ایام تابستان - به رسم عادت بعضی از اهالی هنگامی که امام جماعت یا یک روحانی وارد می شود صلوات می فرستند - با فرستادن صلوات توسط یکی از اهالی در وقت ورود امام به جلسه، ایشان آن فرد را خواستند و فرمودند: «اگر دستور صلوات را برای عظمت رسول اکرم می دهی، پس آن را در وقت دیگری از مردم بخواهید و اگر برای ورود من می فرستید، راضی نیستم و اجازه نمی دهم». روزی ایشان برای تدریس وارد مسجد اعظم شدند و یک نفر برای سلامت آن حضرت صلواتی فرستاد. امام از این کار ناراحت شدند.

حجت الاسلام والمسلمین خلیل سروش محلاتی
منبع: کتاب «سلسله موی دوست»، صفحه ۱۳۳

راویج البدری

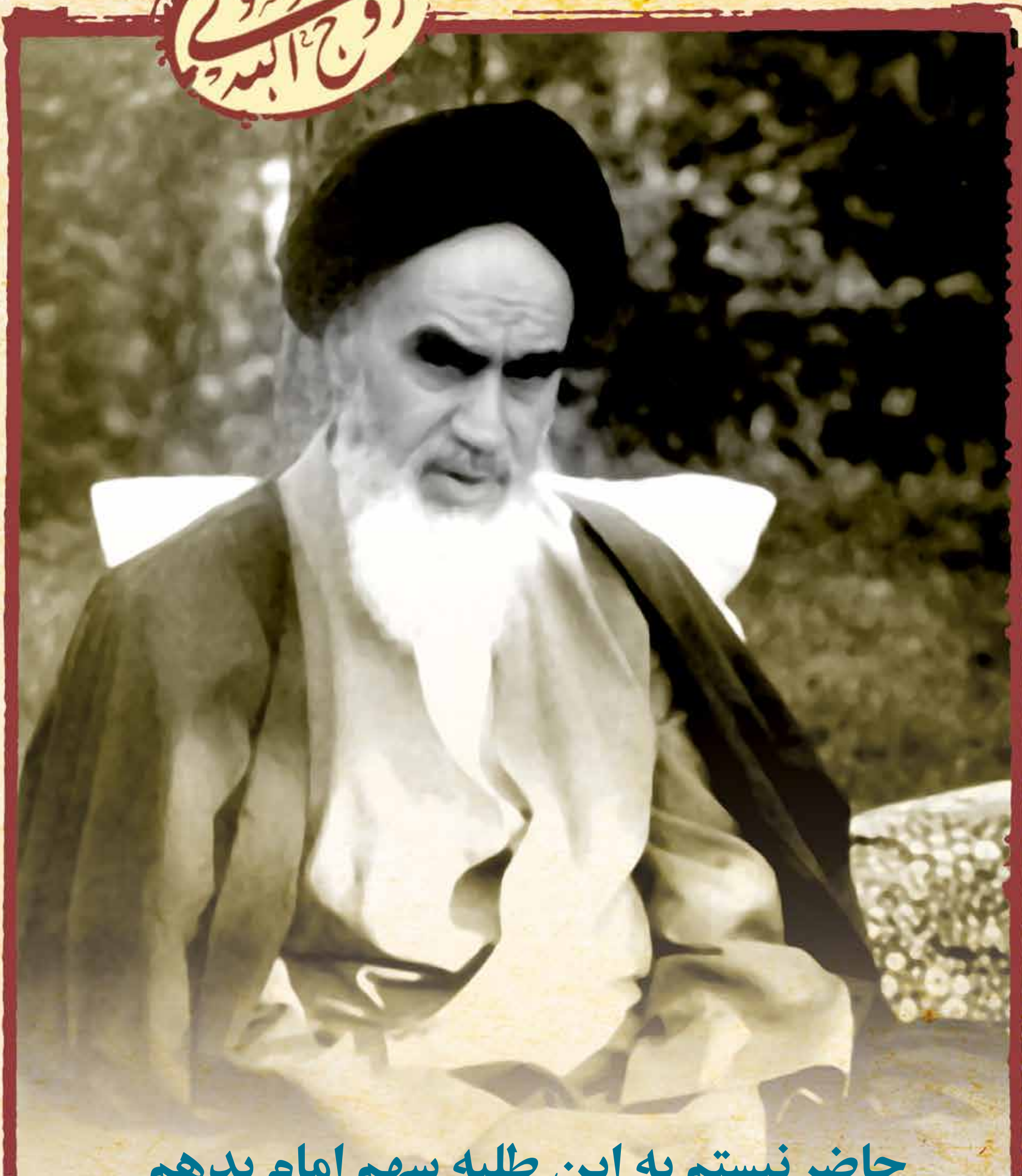


فرزندم! راسته چرا پیغمبر خاتم (ص) ...!

فرزندم! راستی چرا پیغمبر خاتم - صلی الله علیه و آله و سلم - از ایمان نیاوردن مشرکان آن گونه تأسف و تأثر جان فرسا داشت که مخاطب شد به خطاب «لَعَلَّكَ بِاِخْتِ نَفْسِكَ عَلٰى اٰثَرِهِمْ اِنْ لَمْ يُؤْمِنُوْا بِهٰذَا الْحَدِيْثِ اَسْفًا». جز آن که به همه بندگان خدا عشق می ورزید و عشق به خدا عشق به جلوه های او است. او از حجاب های ظلمانی خودبینی ها و خودخواهی های منحرفان که منجر به شقاوت آنان و منتهی به عذاب الیم جهنم که ساخته و پرداخته اعمال آنان است رنج می برد و سعادت همه را می خواست؛ چنانچه برای سعادت همه مبعوث شده بود و مشرکان و منحرفان کوردل با او که برای نجات آنان آمده بود دشمنی می کردند.

منبع: کتاب «وعدۀ دیدار»
صفحه ۱۱۰

راوی: آیت‌الله العظمی
آیت‌الله العظمی



حاضر نیستیم به این طلبه سهم امام بدهم

مرحوم حاج آقا مصطفی نقل می‌کرد روزی برای یک طلبه‌ای خدمت امام وساطت کردم تا پولی از ایشان بگیرم و به او بدهم ولی امام به وساطت من ترتیب اثر ندادند. مرتبه دوم وساطت کردم باز ترتیب اثر ندادند، که این برای من مایه تعجب شده بود. مرتبه سوم که وساطت کردم در جواب فرمودند: «مصطفی این کمد و گنجی که می‌بینی پول در آن وجود دارد و این هم کلید این گنجی است. من این کلید را در اختیار تو می‌گذارم تا هرچه پول می‌خواهی برداری و به این طلبه بدهی، مانعی ندارد. لکن به یک شرط، و آن شرط این است که جهنمش را باید خودت بروی. چون من دیگر حاضر نیستم به این طلبه، روی عدم لیاقتی که دارد پول سهم امام بدهم. اگر حضری جهنم را تحمل بکنی این پول و این گنجی و این کلید در اختیار تو باشد».

آیت الله محمد فاضل لنکرانی

منبع: کتاب «سلسله موی دوست»، صفحه ۱۷۴

از روح ابداً



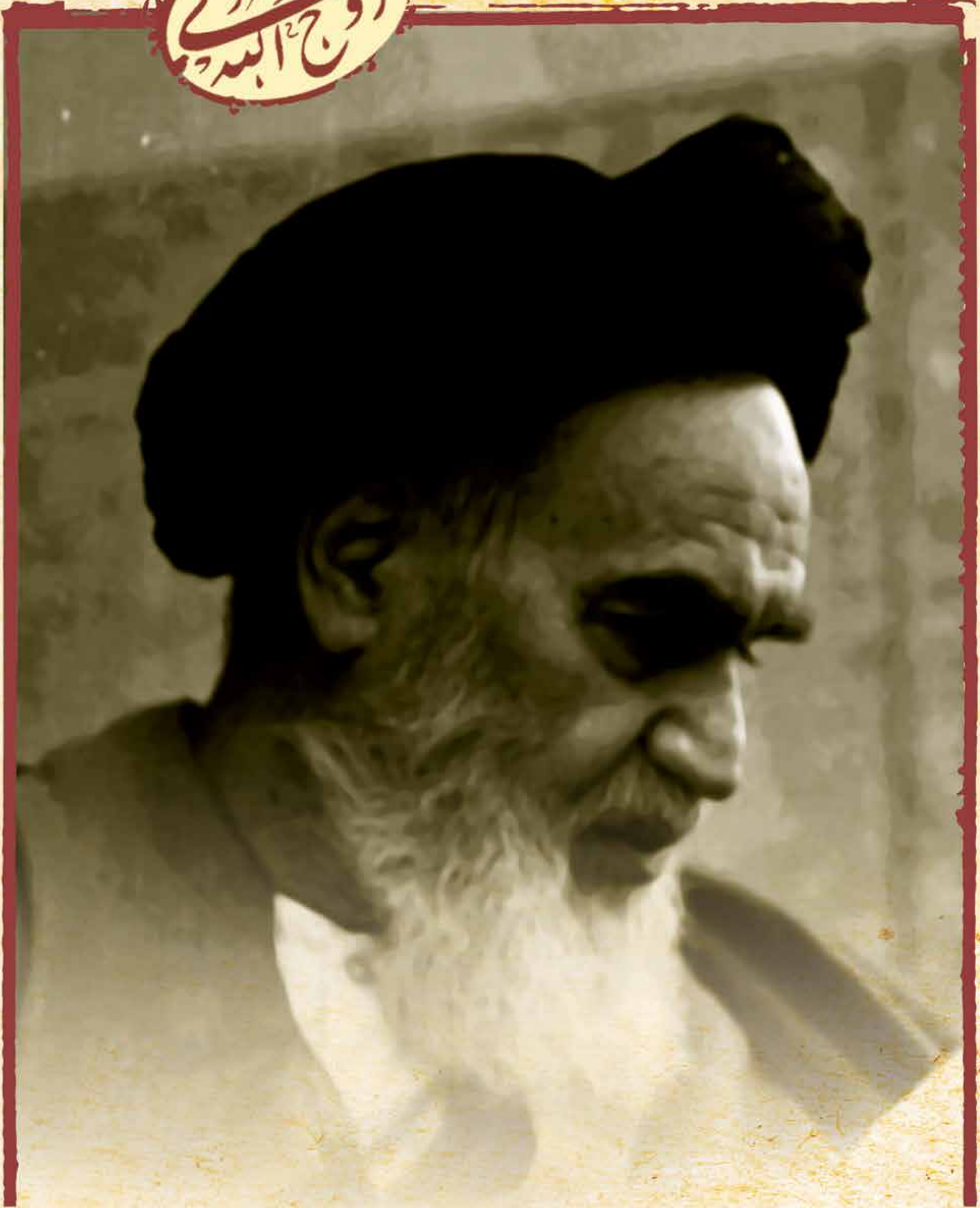
پسرم! این نقیصه را من نتوانستم...!

پسرم! اگر می توانی با تفکر و تلقین نظر خود را نسبت به همه موجودات به ویژه انسان ها نظر رحمت و محبت کن، مگر نه این است که کافه موجودات از جهات عدیده که به احصا در نیاید مورد رحمت پروردگار عالمیان می باشند، مگر نه آنکه وجود حیات و تمام برکات و آثار آن از رحمت ها و موهبت های الهی است بر موجودات، و گفته اند: «کل موجود مرحوم». پس آنچه و آن کس که مورد عنایات و الطاف و محبت های الهی است چرا مورد محبت ما نباشد؟ و اگر نباشد این نقیصی نیست برای ما؟ و کوتاه بینی و کوتاه نظری نیست؟

هان! من پیر شدم و نتوانستم این نقیصه و سایر نقیصه های بی شمار را از خود بزدایم، تو جوانی و به رحمت و ملکوت حق نزدیکتری، سعی کن این نقیصه را از خود بزدایی.

منبع: کتاب «وعدۀ دیدار»
صفحه ۱۱۱

رواج البدع
المؤذنين

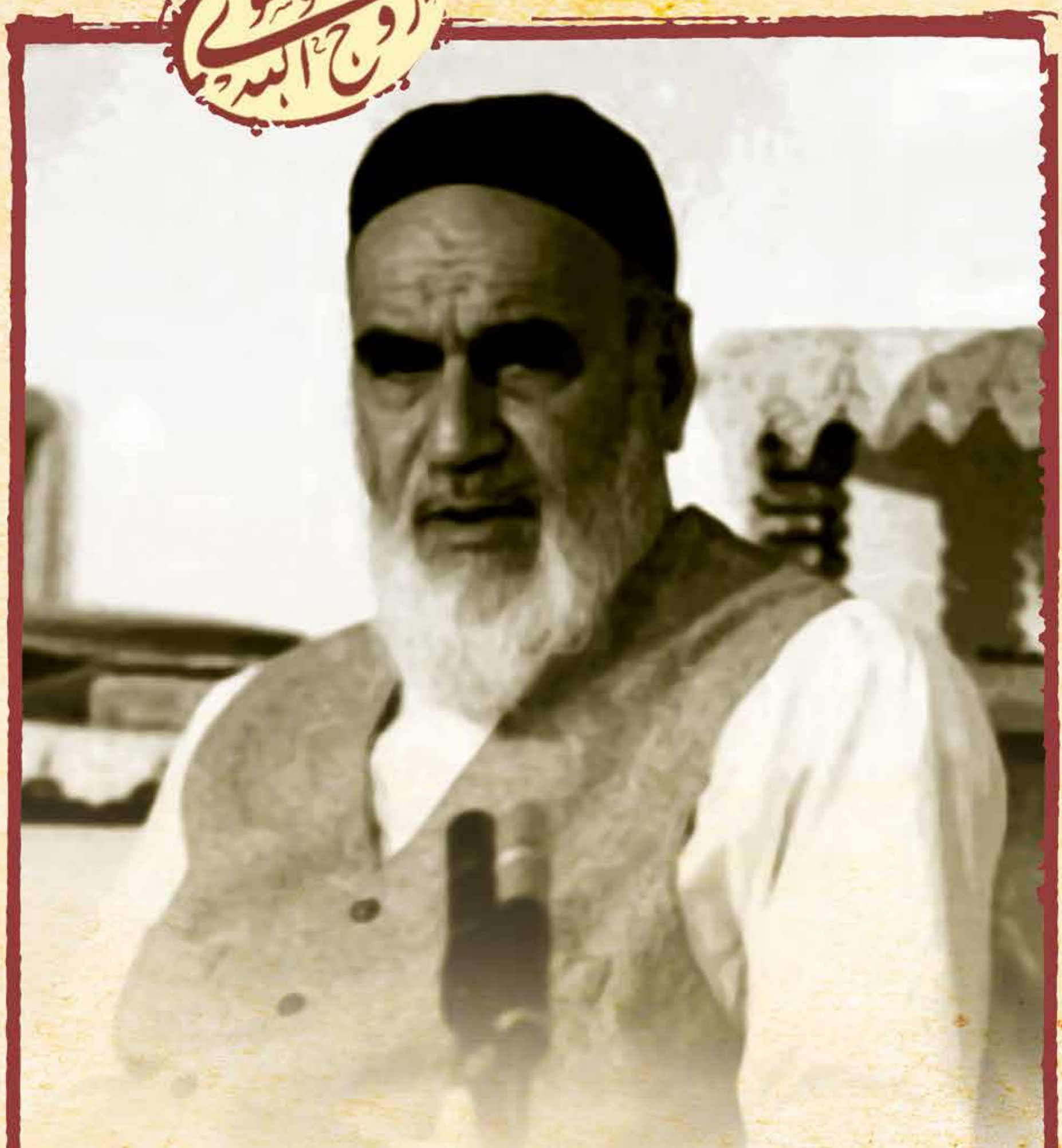


تا رضایت مؤذن را جلب نکنید درس نمی گویم

یک روز عصر هوا ابر بود. درس اصول در مسجد اعظم در بعد از ظهر کمی طول کشید. مؤذن خبر نداشت در اتاقک حیاط بلندگورا روشن کرد و اذان سرداد. امام درس را خاتمه دادند. شاگردان به مؤذن اعتراض شدید کردند. خبر به گوش امام رسید، فرمود: «تا رضایت مؤذن را جلب نکنید درس نمی گویم». پس از عذرخواهی از مؤذن درس را دوباره شروع کردند.

حجت السلام والمسلمین حسین انصاری
منبع: کتاب «سلسله موی دوست»، صفحه ۳۶

راویج البدری



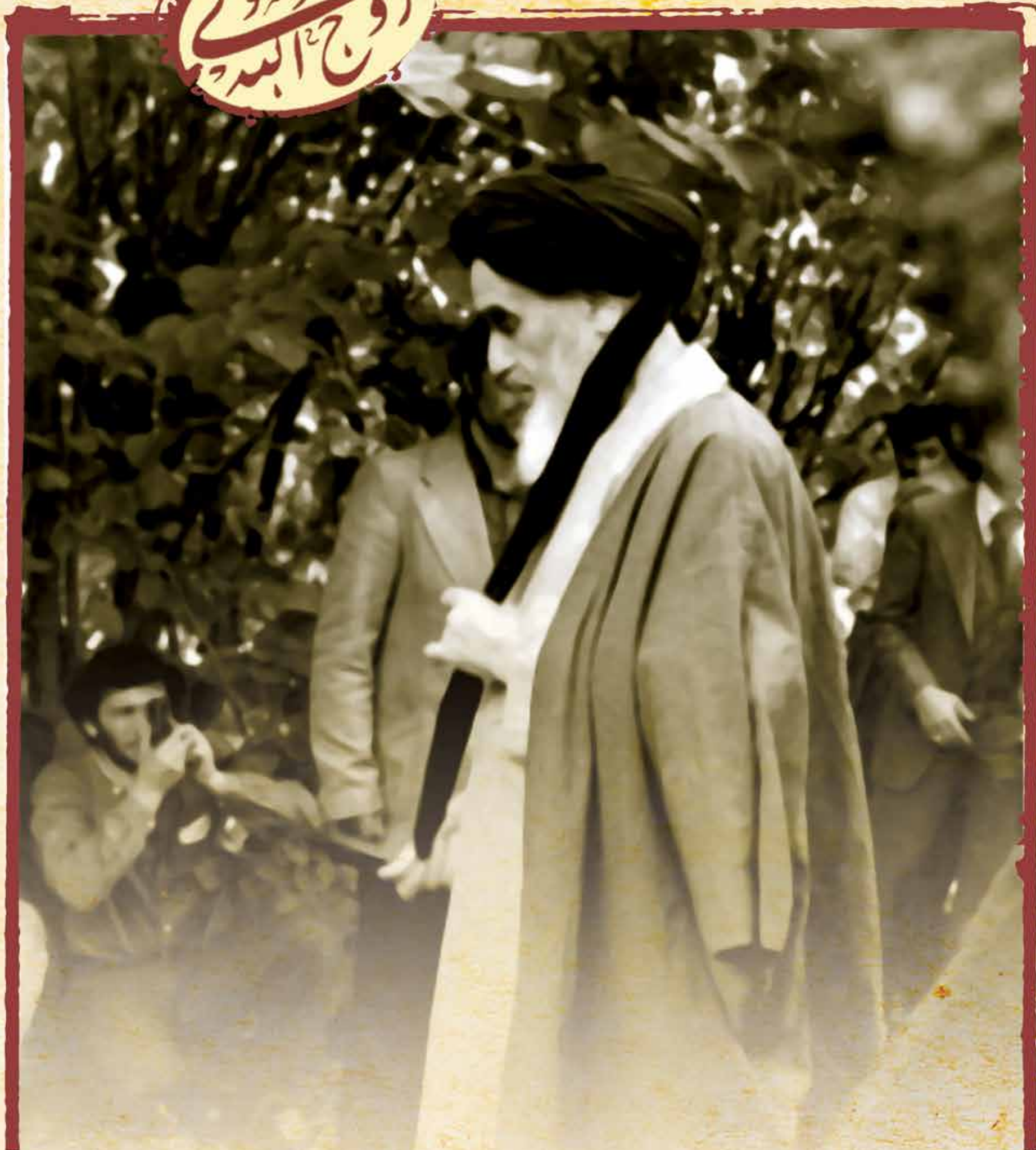
فرزند عزیزم! راه دل را برگزین، اما به عقل نیز خیانت نکن...!

فرزند عزیزم! فیلسوفان با براهین عقلیه ثابت می‌کنند حضور حق تعالی را در هر جا، لکن تا آنچه عقل با برهان ثابت نموده، به دل نرسد و قلب به آن ایمان نیاورد، ادب حضور به جا نیاورند، و آنان که حضور حق تعالی را به دل رساندند و ایمان به آن آورده‌اند گرچه با برهان سر و کار نداشته باشند ادب حضور به جا آوردند و از آنچه با حضور مولا منافات دارد اجتناب کنند. پس علوم رسمی هرچند فلسفه و علم توحید خود حجابند و هرچه بیشتر شوند حجاب غلیظ تر و افزون تر گردد.

و آنچه گفتیم به آن معنی نیست که به فلسفه و علوم برهانی و عقلی نپردازد و از علوم استدلالی روی گردان که این خیانت به عقل و استدلال و فلسفه است، بلکه به آن معنی است که فلسفه و استدلال راهی است برای وصول به مقصد اصلی و نباید تورا از مقصد و مقصود و محبوب محجوب کند.

منبع: کتاب «وعدۀ دیدار»
صفحه ۱۱۲

روح البدر



منزل شما کجاست؟

منزل امام گذر قاضی بود. یک روز کمی از آفتاب مانده بود که من پشت سر ایشان می‌آمدم. ضمن اینکه سؤال می‌کردم بحث تمام شد. هنوز به گذر قاضی نرسیده بود ایشان ایستاد و گفت: «منزل شما کجاست؟» گفتم کوچهٔ آبشار. گفت «خب پس راه شما از این طرف است». در آن تاریکی کوچه امام حاضر نبود یک شاگرد ساده‌ای مثل من پشت سرش بیاید تا مبادا تکبر، روح او را فاسد کند.

حجت الاسلام والمسلمین محمد
آل اسحاق

منبع: کتاب «سلسله موی دوست»، صفحه ۶

راویج البدری



و تو ای فرزندم! چه بسا با اسم خدا از خدا بازمانی ...!

و تو ای فرزندم، از جوانی خود استفاده کن و با یاد او - جلّ و علا - و محبت به او و رجوع به فطرت الله بزیست و عمر را بگذران. و این یاد محبوب هیچ منافات با فعالیت های سیاسی و اجتماعی در خدمت به دین او و بندگان او ندارد بلکه تورا در راه او اعانت می کند، ولی بدان که خدعه های نفس اماره و شیطان داخلی و خارجی زیاد است و چه بسا انسان را با اسم خدا و اسم خدمت به خلق خدا از خدا باز می دارد و به سوی خود و آمال خود سوق می دهد.

منبع: کتاب «وعدۀ دیدار»
صفحه ۱۱۴

روح البدر



روزهای چهارشنبه به عیادت می آمدند

من مریض شدم. مدت یک ماه در حجرهٔ مدرسهٔ حجتیه بستری بودم. در طول این مدت، روزهای چهارشنبه، حضرت امام به اتفاق یکی از دوستان دانشمند، در همان حجره، از من عیادت می کردند؛ در صورتی که من طلبهٔ گمنامی بیش نبودم این چنین برخوردهایی برای من بسیار قابل توجه بود.

آیت الله ابراهیم امینی
منبع: کتاب «سلسله موی دوست»، صفحه ۳۱

روز المومنون
البدن



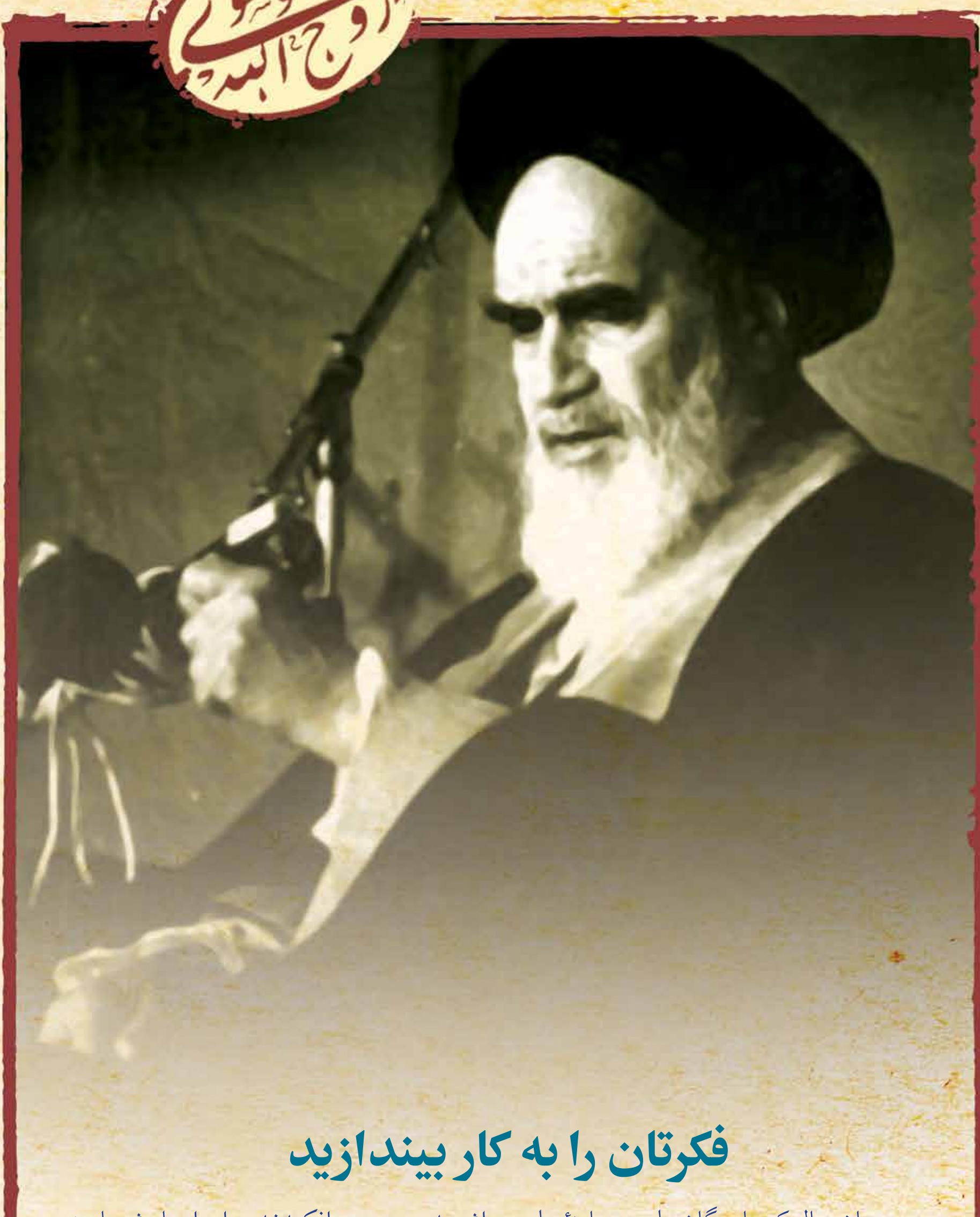
پسر عزیزم! هشدار از بازی شیطان با من و تو...!

پسر عزیزم! مراقبت و محاسبه نفس در تشخیص راه خودخواهی و خداخواهی از جمله منازل سالکان است. خداوند ما و شما را در آن توفیق دهد. و چه بسا شیطان باطنی با ما پیران به گونه‌ای و با شما جوانان به گونه دیگری خدعه کند.

به شما می‌گویم شما جوانید و در این فصل جوانی وقت تمتع و لذات است، اکنون مطابق شهوات خود رفتار کن، ان شاء الله در اواخر عمر راه توبه و باب رحمت خداوند باز است و خداوند ارحم الراحمین است، به ما پیران نیز از این وسوسه‌ها می‌شود که معلوم نیست به این زودی بمیری، فرصت باقی است، چند روز آخر عمر توبه کن، علاوه باب شفاعت پیامبر - صلی الله علیه و آله - باز است و مولا امیرالمؤمنین - علیه السلام - نخواهد گذاشت دوستانش را عذاب کنند.

منبع: کتاب «وعدۀ دیدار»
صفحه ۱۱۴

راویج البدری

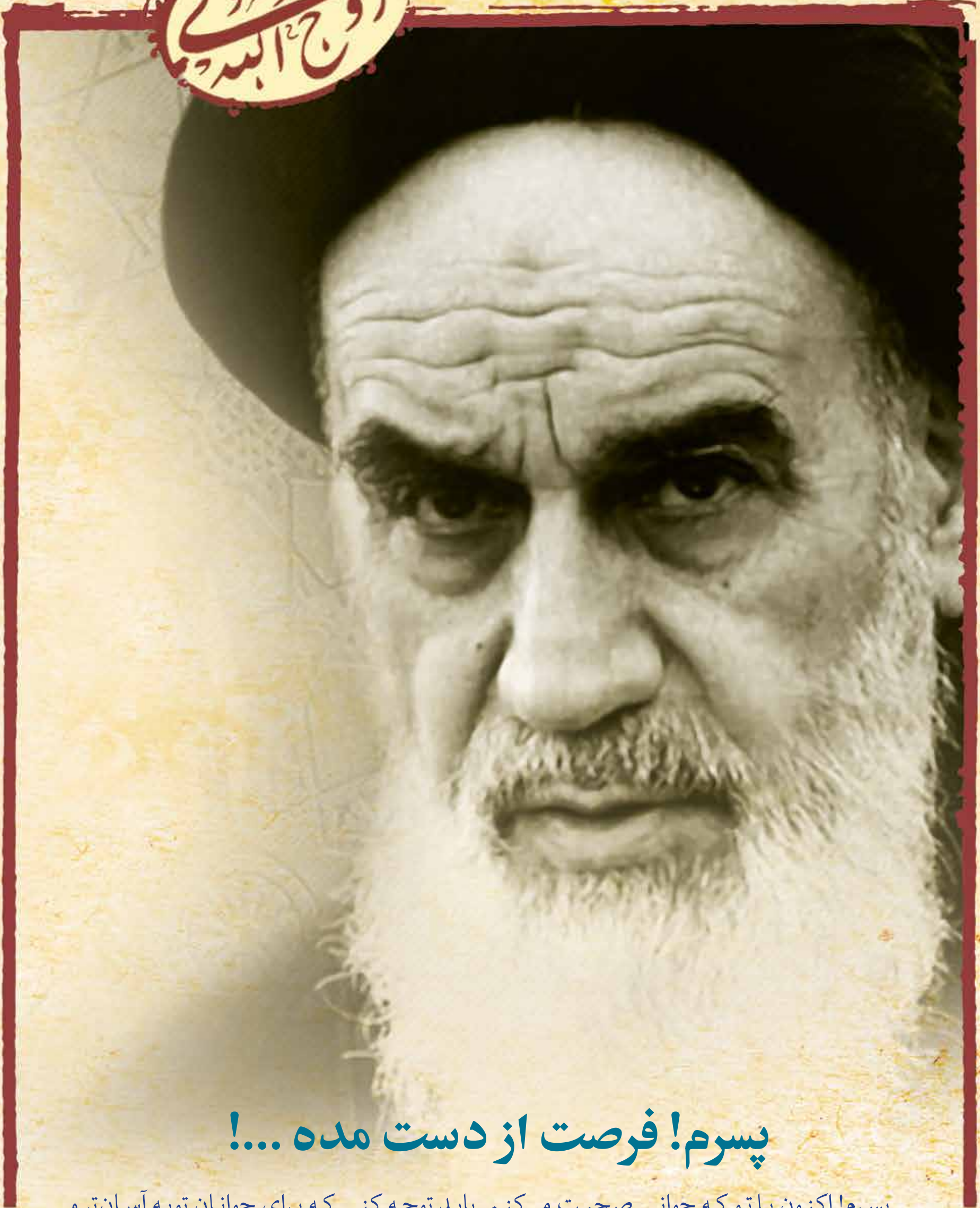


فکرتان را به کار بیندازید

در همان حال که با بزرگان علمی مبارزه علمی داشتند و پنجه می افکندند، برای ایجاد شجاعت در شاگردان، می فرمودند: «حرف مرا که می شنوید، تعبدی نپذیرید. فکر بکنید، استدلال بکنید». مثال لطیفی از استادشان مرحوم آیت الله حائری یزدی نقل می کردند که استاد می فرمود: «وقتی بحث مرا نوشتید، پایین ورقه یک اظهار نظری بکنید، ولو یک فحش، که من بدانم شما اظهار نظر کرده اید». امام می فرمودند: «در مقام بحث، فکرتان را آزاد نگهدارید و نگویید استاد گفته است. استاد گفته باشد خودتان فکرتان را به کار بیندازید».

آیت الله ابوالقاسم خزعلی
منبع: کتاب «سلسله موی دوست»، صفحه ۸۶

التموسون
روح البدر



پسرم! فرصت از دست مده...!

پسرم! اکنون با تو که جوانی صحبت می‌کنم. باید توجه کنی که برای جوانان توبه آسان‌تر و اصلاح نفس و تربیت باطن سریع‌تر می‌تواند باشد. در پیران هواهای نفسانی و جاه‌طلبی و مال دوستی و خود بزرگ بینی بسیار افزون‌تر از جوانان است، روح جوانان لطیف است و انعطاف پذیر و آن قدر که در پیران حبّ نفس و حبّ دنیا است، در جوانان نیست. جوان می‌تواند با آسانی نسبی خود را از شرّ نفس اماره رها سازد و به معنویات گرایش پیدا کند.

پسرم! فرصت را از دست مده و در جوانی خود را اصلاح کن. پیران نیز باید بدانند که تا در این عالم هستند می‌توانند جبران تبه‌کاری‌ها و معصیت‌ها را بکنند و اگر از این جا منتقل شدند کار از دست آنان خارج است. دل بستن به شفاعت اولیاء- علیهم السلام- و تجرّی در معاصی از خدعه‌های بزرگ شیطانی است.

منبع: کتاب «وعدۀ دیدار»
صفحه ۱۱۵

روح البدر

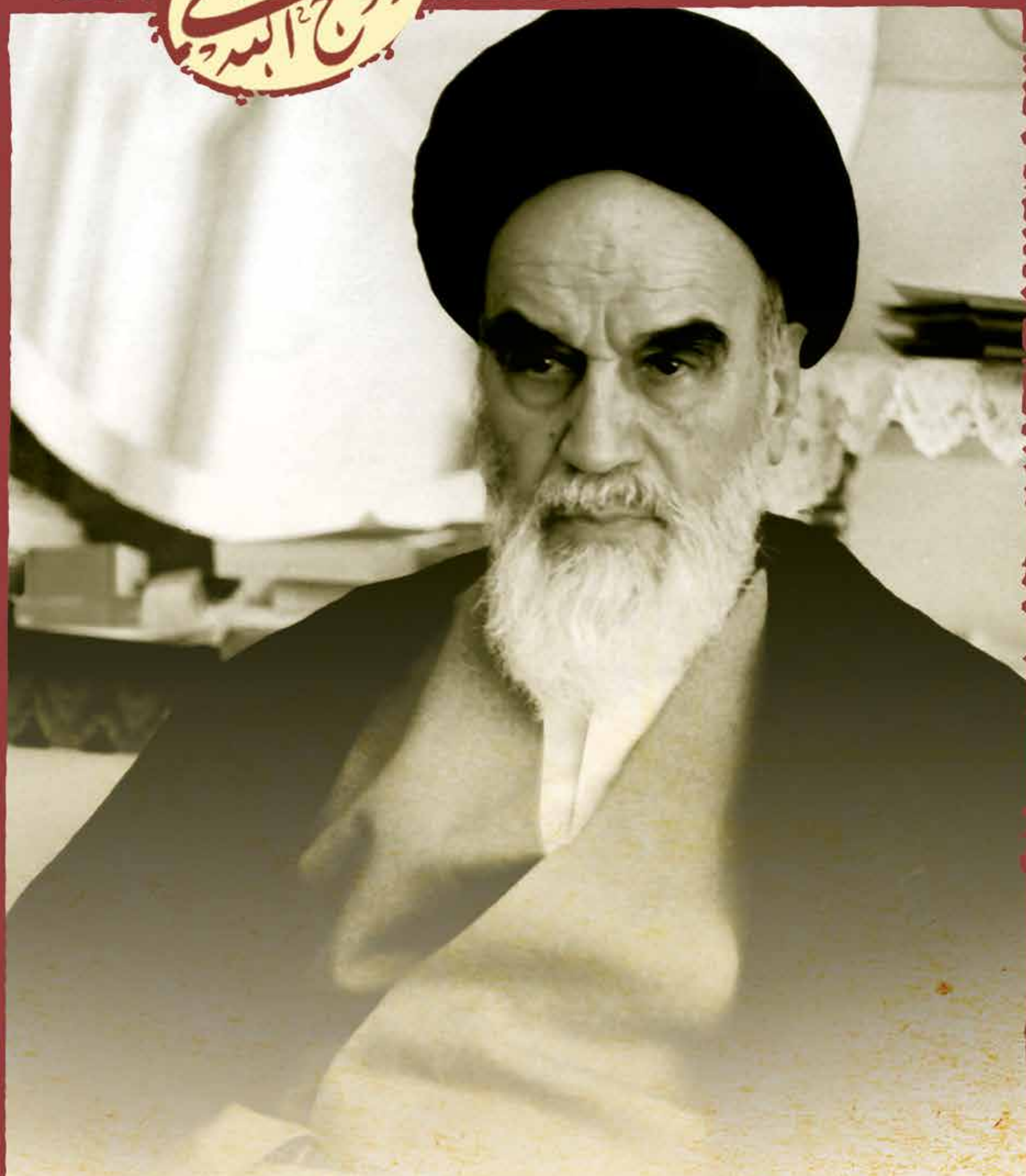


گفتن درس با حالت مریضی در کنار کرسی

جلسات درس امام به طور دقیق، جدی و منظم حتی در روزهای بارانی و برفی تشکیل می شد و ایشان سر ساعت حضور داشتند. حتی به خاطر دارم که سه روز عارضه تب داشتند و برای درس فقه که در مسجد سلمانی نزدیک منزلشان بود نتوانستند تشریف بیاورند؛ پیغام دادند که منزل بیایید. باز هم درس تعطیل نشد با اینکه کنار کرسی لحاف روی پاهایشان کشیده بودند درس را مانند روزهای دیگر ادامه دادند.

حجت الاسلام والمسلمین سید جواد
علم الهدی
منبع: کتاب «سلسله موی دوست»، صفحه ۱۵۵

التموسون
ارواح البسوة

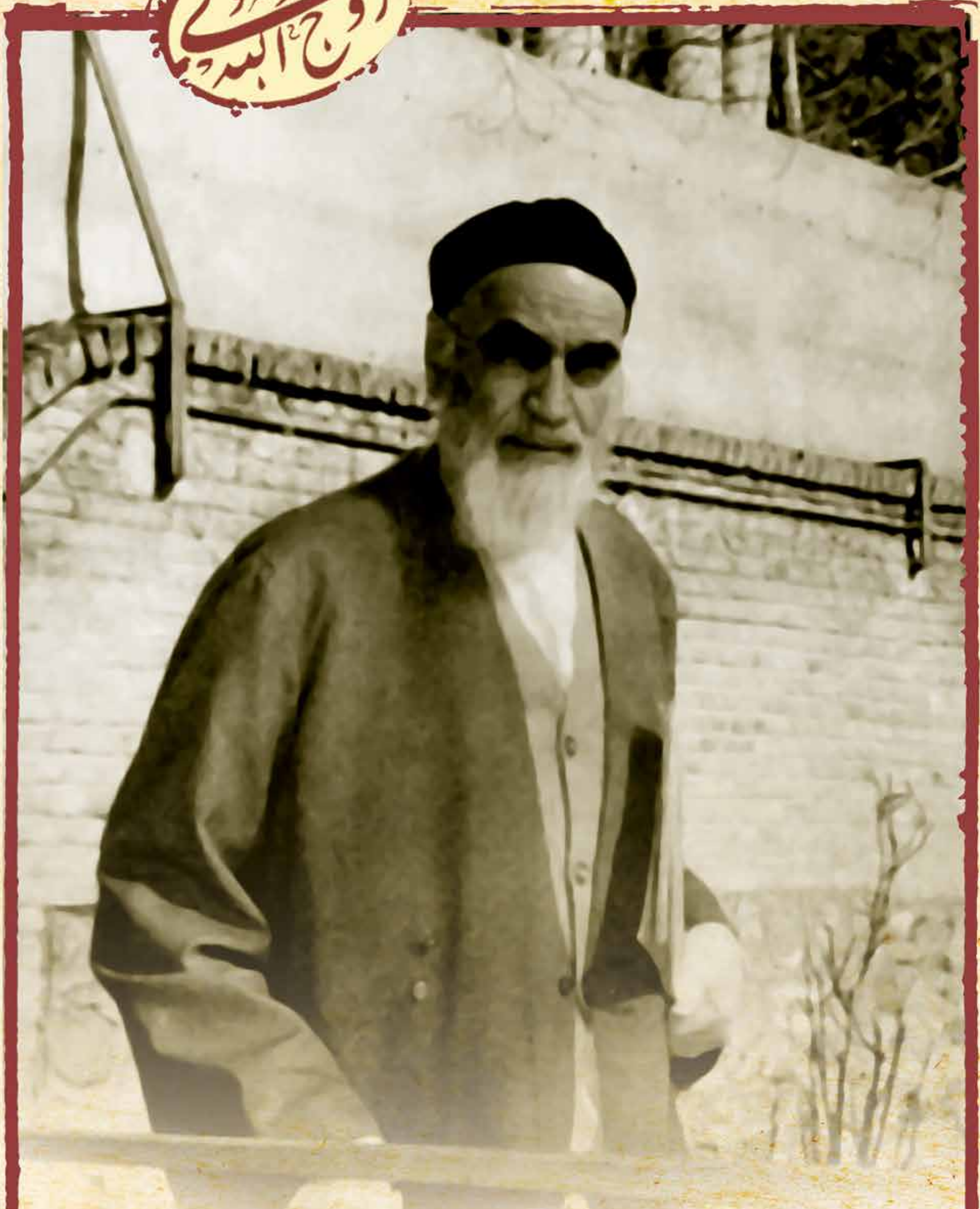


پسرم! حق الناس، حق الناس و حق الناس...!

پسرم! سعی کن که با حق الناس از این جهان رخت نبندی که کار بسیار مشکل می شود. سر و کار انسان با خدای تعالی که ارحم الراحمین است بسیار سهل تر است تا سرو کار با انسان ها. به خداوند تعالی پناه می برم از گرفتاری خود و تو و مؤمنین در حقوق مردم و سرو کار با انسان های گرفتار.

منبع: کتاب «وعدۀ دیدار»
صفحه ۱۱۶

راوی: ابو سعید خدری



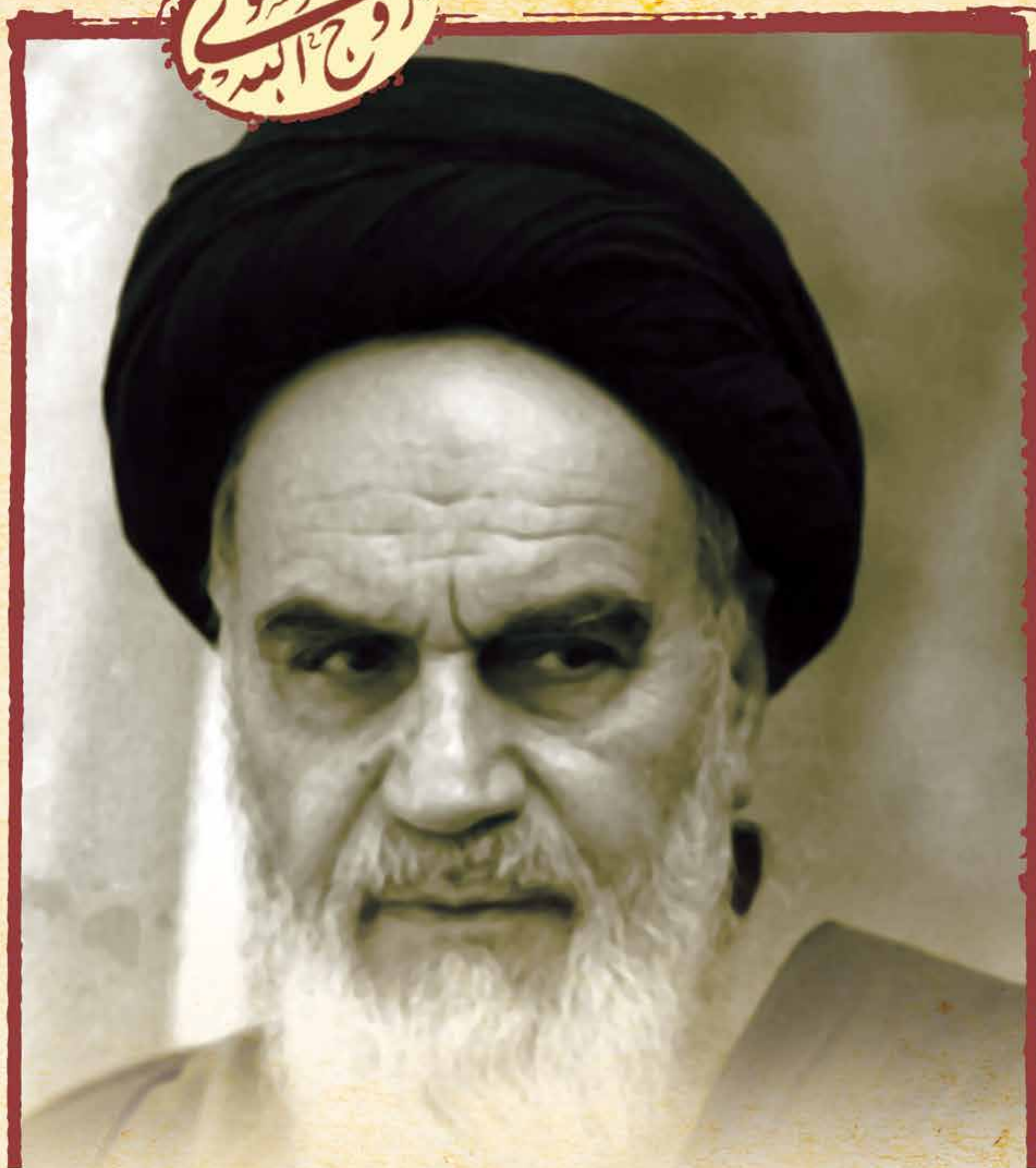
حق به جانب ایشان است

گاهی شاگردی سخنی را مطرح کرده بود و حضرت امام هم پاسخ داده بودند، اما فردا صبح وقتی امام به درس تشریف می‌آوردند می‌فرمودند: «من از فلانی تشکر می‌کنم زیرا دیشب وقتی به آن اشکال فکر می‌کردم پی بردم حق به جانب ایشان است». این جملات همراه با نوعی عذرخواهی هم بود.

حجت الاسلام والمسلمین خلیل سروش
محلاتی

منبع: کتاب «سلسله موی دوست»، صفحه ۱۳۵

راویج البدری



فرزند عزیزم! دخالت در امور سیاسی سالم

یک تکلیف...!

فرزند عزیزم! و از امور مهمی که لازم است وصیت نمایم اعانت نمودن به بندگان خدا، خصوصاً محرومان و مستمندان که در جامعه‌ها مظلوم و بی‌پناهند، هرچه توان داری در خدمت اینان - که بهترین زاد راه تو است و از بهترین خدمت‌ها به خدای تعالی و اسلام عزیز است - به کار برو هرچه توانی در خدمت مظلومان و حمایت آنان در مقابل مستکبران و ظالمان کوشش کن. دخالت در امور سیاسی سالم و اجتماعی یک وظیفه است، و همه باید بدانیم که تا بر عهد خداوند تعالی باقی باشیم خداوند از ما پشتیبانی می‌فرماید.

منبع: کتاب «وعدۀ دیدار»
صفحه ۱۱۷

رواج المومنین
البدیه



حدیث را خودتان بخوانید

یک وقتی قبل از درس بعضی طلبه‌ها به امام گفتند: «آقا قبل از درس یک حدیث برای ما بخوانید» امام به آنها فرمود: «خوب خودتان بروید بخوانید. سواد دارید بروید یک حدیث بخوانید اینجا مجلس درس و بحث است».

حجت السلام والمسلمین فضل الله محلاتی
منبع: کتاب «سلسله موی دوست»، صفحه ۱۹۹

روز المومنین
روح البدر



پسرم! بزرگ‌ترین وصیت من ... مادرا!

پسرم! چند جمله هم در احوال شخصی و خانوادگی بگویم و پُرگویی را خاتمه دهم: بزرگ‌ترین وصیت من به تو فرزند عزیز، سفارش مادر بسیار وفادار تو است. حقوق بسیار مادرها را نمی‌توان شمرد و نمی‌توان به حق ادا کرد. یک شبِ مادر نسبت به فرزندش از سال‌ها عمر پدر متعهد ارزنده‌تر است. تجسمِ عطف و رحمت در دیدگان نورانی مادر، بارقهٔ رحمت و عطف ربِّ العالمین است.

«وَالسَّلَامُ وَالصَّلَاةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى آلِهِ الْمَعْصُومِينَ، وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ».

چهارشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۶۱ - ۴ رجب ۱۴۰۲
روح‌الله الموسوی الخمینی



سازمان دانشجویان ایران



سبک زندگی
امام خمینی
علیه السلام